

سخت ترجمه‌پذیری اسماء الحسنی با تکیه بر الگوهای رایج در ترجمه انگلیسی اسامی خاص

ابوالفضل حری^{*۱}

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۵

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۵

چکیده

پژوهش حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی، به سخت ترجمه‌پذیری و چالش‌های پیش روی مترجمان در برگردان تعدادی از اسماء الحسنی، در برخی ترجمه‌های انگلیسی قرآن و در پرتو الگوهای پیشنهادی برای برگردان اسامی خاص، پرداخته است. همه بحث این است که اسماء الحسنی با اندکی تسامح، در حوزه اسامی خاص قرار می‌گیرند که در مطالعات ترجمه، الگوهایی برای بررسی ترجمه آن‌ها ارائه شده است. این جستار تلاش نموده از الگوی پیشنهادی لپی‌هالم و بیکر برای توصیف، تحلیل و بررسی اسماء الحسنی استفاده کند. لذا در گردآوری دادگان، اسامی یازده‌گانه خداوند، در آیات ۲۳-۲۴ سوره حشر، در نُه ترجمه انگلیسی در قالب جداول بررسی شده‌اند. سپس با استفاده از منابع تفسیری، معنای مشترک میان اسامی خداوند استخراج و با معادل‌های انگلیسی، بررسی تطبیقی و ارزیابی گردیده‌اند تا معلوم شود مترجمان از چه راهبردهایی در ترجمه استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد مترجمان نتوانسته‌اند وجوه معنایی رنگارنگ این اسامی را انتقال دهند و عمدتاً از ترجمه معنایی و به طور خاص از جایگزینی با اسمی مشابه، بازگزاری و ترجمه تحت‌لفظی، در ترجمه اسامی خداوند استفاده کرده‌اند. از این رو، اسماء الحسنی در برگردان به زبان انگلیسی، سخت ترجمه‌پذیر جلوه می‌کنند.

واژگان کلیدی: اسماء الحسنی، سخت ترجمه‌پذیری، اسامی خاص، بازگزاری، جایگزینی

۱- مقدمه

این مقاله، دنباله مقاله سخت ترجمه‌پذیری کتاب المبین است (بنگرید به حری، ۱۳۸۶). در آن مقاله، حری، سخت ترجمه‌پذیری قرآن را در سطح آوایی بررسی کرد و نشان داد که ترجمه ویژگی‌های آوایی هر زبان عموماً و ویژگی‌های آوایی زبان قرآن به‌ویژه، کاری اگر نه ناممکن، اما بسیار مشکل‌آفرین است. از جمله دلایل این امر نیز، یکی این است که امکان برقراری اگر نه همانندی کاملاً برابر، حتی تعادلی معمولی نیز امکان‌ناپذیر است. از این رو، در آن مقاله پیشنهاد شد شاید اگر مفهوم مشابهت جایگزین مفاهیم همانندی^۱ و معادل^۲ شود، مترجم آسان‌یاب‌تر می‌تواند ویژگی‌های آوایی را به زبانی دیگر برگرداند. به دیگر سخن، اگر مترجم متونی خاص مثل قرآن، بتواند برای ویژگی‌های آوایی و واجی زبان مبدأ که ترجمه‌ناپذیر جلوه می‌کند، مشابهت‌ها و متناظرهای جایگزین در زبان مقصد دست و پا کند، تا حدودی بتواند وفاداری خود را به صورت زبان مبدأ نشان بدهد. حال، هرچه جنبه‌های ادبی و به ویژه دین‌شناختی و قدسی متونی مانند قرآن، پررنگ‌تر می‌شود، کار مترجم نیز در یافتن معادل‌ها و متناظرها، به همان نسبت دشوارتر می‌گردد. وانگهی، ارائه تفسیر و پانوش و توضیحات اضافی مترجم نیز از دیگر راه‌های برگردان دقیق‌تر ویژگی‌های زبانی قرآن به‌شمار می‌آید. در مجموع، حری در آن مقاله، ترجمه‌ناپذیری و یا سخت ترجمه‌پذیری قرآن را در سطح ویژگی‌های آوایی و واج‌شناختی مطرح کرد.

با این حال، گاه، سخت ترجمه‌پذیری، از سطح آوایی و واجی فراتر می‌رود و سطح واژگان، عبارات و البته سایر سطوح نحوی، معنایی و کاربردی را در برمی‌گیرد. واژگان، از جمله اولین و اساسی‌ترین واحدهای معنایی در قرآن به حساب می‌آیند. در واقع، در زبان قرآن، انتخاب و چینش واژگان در مقام کوچک‌ترین واحد معنادار زبان، به ترتیبی است که هر واژه به‌طور دقیق در محل مناسب خود قرار گرفته و هرگونه جابجایی و یا تغییر معنا از رهگذر ترجمه، زیبایی و معنای واژه را برهم می‌زند. با این حال، گاه، امکان تطابق کامل میان واژگان زبان مبدأ و زبان مقصد فراهم نیست و از این حیث برقراری همانندی و تعادل

متناظر و کامل، سخت ممکن و گاه، ناممکن می‌شود. نکته مهم دیگر این‌که، واژگان قرآنی از حیث ساخت واژگانی، نحوی، معنایی، متنی، بافتی، سبکی و بلاغی، ویژگی‌های خصیصه‌نما و تمایزبخش دارند و همین کار، برگردان این واژگان را با دشواری روبرو می‌کند، به گونه‌ای که گاه سخت ترجمه‌پذیر جلوه می‌کنند. به باور عبدالرئوف (۲۰۰۱: ۶۸)، گفتمان قرآنی، چشم‌اندازی زبانی است که رنگین‌کمانی از «ویژگی‌های نحوی، معنایی، بلاغی، آوایی و فرهنگی آن را احاطه کرده است»؛ ویژگی‌هایی که به گفته عبدالولی (۲۰۰۷: ۴) از دیگر انواع نثر عربی متمایز است و از رهگذر ترکیب همین ویژگی‌هاست که بافت زبانی منحصر به فرد قرآنی در برابر دیدگان خواننده قرار می‌گیرد؛ بافتی که هماهنگی میان سطوح نحوی، معنایی و عروضی بر آن حاکم است. از این رو، پیداست واژگان، بخشی از این رنگین‌کمان را شکل می‌دهد و اگر قرار باشد این رنگین‌کمان با نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین حالت در زبانی دیگر نیز بازتاب پیدا کند، لازم است در فرآیند ترجمه، به هماهنگی میان این ویژگی‌ها توجه شود. در این جستار، فقط فرصت است که برگردان واژگان و به طریق اولی، آنچه در فرهنگ اسلامی به «اسماء الحسنی» بشناخته‌اند، بررسی شود، لیکن پیداست برگردان پذیرفتنی از واژگان قرآن، فقط در سایه توجه به تمام اجزای این رنگین‌کمان حاصل می‌آید.

۱-۱- بیان مسأله

در اینجا، درخصوص برگردان اسماء الحسنی به زبان انگلیسی چند مسأله مطرح می‌شود:

الف) اسماء الحسنی^۳ اسامی و صفات ناظر به ذات اقدس الهی محسوب می‌شود و در فرهنگ اسلامی، بارهای معنایی و تلویحی دینی و فرهنگی دارد. برای نمونه، علامه طباطبایی در معنای اسماء الحسنی می‌گوید: «اسم در لغت به معنای "دال بر چیز" است خواه فقط مشیر به ذات شیء باشد و یا علاوه‌براین، بر معنای وصفی موجود در ذات دلالت کند. واژه حُسنی که مؤنث أحسن و اسم تفضیل است، مشخص می‌کند که مراد از اسماء در اینجا، اسمائی است که علاوه بر ذات متعالی حضرت حق، بر معنای وصفی دلالت دارد.

همچنین مشخص می‌سازد که این اسماء الهی نه تنها حسن است، بلکه احسن نیز است. بنابراین، اسماء الحسنی، اسماء و اوصافی هستند که بر صفت و کمال حضرت حق دلالت دارند، به گونه‌ای که از هر نقص و عدم خالی است» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۴۴-۳۴۲).^۴

ب) این اسامی، معنایی واحد و یکسان ندارند و بسته به این که در چه سوره یا بافتی به کار رفته باشند، معناهای متعدد و چندگانه پیدا می‌کنند.

ج) این اسامی، ساخت‌های واژگانی، معنایی، متنی، بافتی، سبکی و بلاغی متفاوتی دارند که ویژگی‌های خصیصه‌نمای این اسامی محسوب می‌شوند.

د) همین ویژگی‌های تمایزبخش، کار برگردان آن‌ها را به زبانی دیگر و در این‌جا، زبان انگلیسی، با دشواری روبرو کرده است. از این رو، عمده مترجمان تلاش کرده‌اند از شگردها و راهکارهای مختلف از جمله جایگزینی با اسمی مشابه، بازگزاری یا نقل به معنا، و گاه حذف استفاده کنند.

ه) به سهولت نمی‌توان این اسامی را در یکی از دسته‌های مرسوم، مثلاً «اسامی خاص»^۵، قرار داد و از این رو، اسماء الحسنی با هیچ یک از طبقه‌بندی‌های مرسوم اسامی خاص که ترجمه‌پژوهانی مانند نیومارک^۶ (۱۹۸۸)، هاروی و هیگنز^۷ (۱۹۹۲)، بیکر (۱۹۹۲)، لپهالم^۸ (۱۹۹۷) از میان سایرین، مطرح کرده‌اند، تمام و کمال همخوانی ندارند و با تسامح، می‌توان آن‌ها را ذیل اسامی فرهنگ-محور^۹ جای داد. با این حال، برای بررسی روش‌شناختی، چاره‌ای نیست که این اسامی را جزو اسامی خاص فرهنگ محور لحاظ کنیم و برای بررسی آن‌ها از دسته‌بندی‌های مرسوم اسامی خاص استفاده کنیم.

و) این اسامی که در عرف فرهنگ اسلامی مشتمل بر ۹۹ اسم و/یا صفت، در حکم اسم هستند و جملگی اسامی جلاله برای لفظ خدا در قرآن محسوب می‌شوند، نه فقط معنای خاص اصطلاحی خود را دارند، بلکه در ترکیب با اسمی دیگر و در رابطه بینا-آیه‌ای و بینا-سوره‌ای و در واقع در بافت سوره‌ای که ذکر شده‌اند، ممکن است معناها و تفاسیر تازه‌ای پیدا کنند. از این رو دیگر برگردان صرف این اسامی مطرح نمی‌شود و لازم است به

بافت درون/برون زبانی مرتبط با این اسامی نیز توجه شود. چه برای نمونه، ممکن است معنای عبارت «العزیز الحکیم» با توجه به بافت و سیاق آیه از سوره‌ای به سوره دیگر فرق کند، در عین این‌که، معنای اصلی عبارت، ممکن است در خارج از بافت، بدون تغییر بماند، چون بسیاری از این اسامی معنایی نزدیک به هم دارند و از همین روست که برگردان این اسامی اگر نه ناممکن، بلکه سخت ممکن می‌شود.

ز) ممکن است این اسامی در تفاسیر مختلف، تعبیری گوناگونی پیدا کنند که لازم است مترجمان در فرایند برگردان به زبانی دیگر به آن‌ها توجه نشان دهند.

این هفت عامل، در کنار سایر عوامل سبب می‌شود که برگردان اسماء الحسنی به زبانی دیگر، با دشواری‌هایی همراه باشد و آن‌ها را نه ترجمه‌ناپذیر بلکه سخت‌ترجمه‌پذیر جلوه دهد. در جستار کنونی، دشواری‌های برگردان انگلیسی یازده اسم جلاله، موجود در آیات ۲۳-۲۴ سوره حشر و شیوه‌های ترجمه‌نُه مترجم در بازه زمانی ۱۳۴-۲۰۰۶ در پرتو راهکارهای پیشنهادی بیکر (۱۹۹۲) و لیهالم (۲۰۰۷) بررسی و بحث و فحص می‌شود.

۲-۱- پیشینه مطالعاتی مرتبط با ترجمه اسامی خاص

واژگان و عبارات قرآنی به سبب ویژگی‌هایی که دارند، از یک سو، از متعارف‌ترین تا خاص‌ترین و فرهنگ‌وابسته‌ترین واژگان و از سوی دیگر، از آسان‌ترجمه‌پذیری تا سخت‌ترجمه‌پذیری و گاه البته، ترجمه‌ناپذیری، طیف‌بندی می‌شوند. برطبق قاعده‌ای کلی و نه چندان استوار و متقن، هرچه از متعارف‌ترین واژگان به سمت خاص‌ترین واژگان و عبارات سوق می‌یابیم، به همان نسبت، میزان ترجمه‌پذیری هم، از سهل‌ترین به سخت‌ترین میل پیدا می‌کند. در این جستار، با بررسی برگردان متعارف‌ترین واژگان سر و کار نداریم، بلکه عمدتاً به واژگانی می‌پردازیم که در فرایند برگردان، دشوارترین جلوه می‌کنند. حال، این سخت‌ترجمه‌پذیری هم، البته بسته به این‌که این واژگان تا چه اندازه در زبان مقصد، معادل یا مشابه دارند یا ندارند؛ یعنی آیا می‌توان آن را به یکی از دو شیوه مستقیم و

غیرمستقیم و انواع آن‌ها (در دسته‌بندی وینه و داربلنه)، صوری/پویا (در تقسیم‌بندی نایدا)، معنایی/ارتباطی (در نیومارک)، از میان سایر تقسیم‌بندی‌ها، برگرداند یا برنگرداند، طیف‌بندی مدرجی خواهند داشت. همچنین، برخی از این واژگان ذیل اسامی خاص قرار می‌گیرند که در مطالعات ترجمه، چگونگی برگردان آن‌ها به تفصیل آمده است.

برای نمونه، نیومارک (۱۹۸۸)، اسامی را به پنج دسته کلی تقسیم می‌کند: اسامی خاص؛ اصطلاحات نهادی تاریخی؛ اصطلاحات نهادی بین‌المللی؛ اصطلاحات نهادی ملی؛ اسامی فرهنگی.

لیپهالم (۱۹۷۷) نیز، راهکارهایی برای برگردان اسامی خاص ارائه کرده و برخی پژوهشگران ایرانی نیز، برگردان این اسامی را در آثار مختلف بررسی کرده‌اند. از جمله: پیرنجم‌الدین (۱۳۸۶)، میرزاسوزنی (۱۳۸۷) و عنابی‌سراب (۱۳۸۸).

پیرنجم‌الدین، ضمن بررسی تلمیح اسامی خاص در پنج ترجمه انگلیسی گلستان سعدی به قلم اندرسون، برتن، ایستویک، راس و ریهایتسک، ترجمه تلمیح را یکی از دشوارترین جنبه‌های برگردان متن ادبی تلقی کرده است؛ چون معتقد است در این عنصر فرهنگ محور، اشارات ضمنی در زبان و فرهنگ مبدأ (و نه الزاماً در زبان و فرهنگ مقصد)، دخالت دارد. نویسنده ابتدا، اسامی خاص و معادل‌های منتخب پنج مترجم را استخراج و در پرتو الگوی لیپهالم، راهکار هر مترجم را در ترجمه این اسامی خاص بررسی کرده است. میرزاسوزنی (۱۳۸۷: ۹) نیز، اسامی خاص را از حیث معنایی، به چهار دسته تقسیم می‌کند: مادی یا جسمانی، مجازی، فنی، و عامیانه.

عنابی‌سراب نیز، ترجمه اسامی خاص را در رمان‌های ترجمه شده از انگلیسی به فارسی برای نوجوانان، بررسی و راهکارهای مترجمان را بحث کرده است. حال، ممکن است برخی واژگان و عبارات قرآنی و به طور خاص، اسماء الحسنی در این دسته‌بندی‌ها قرار گیرند و بتوان راهکارهایی برای برگردان آن‌ها به ویژه در پرتو راهکارهای پیشنهادی بیکر و لیپهالم ارائه داد.

با این حال، پیداست اسامی خاص موردنظر ترجمه‌پژوهان با اسماء الحسنی در قرآن از حیث صورت؛ یعنی توجه به وجوه زبانی و ساخت واژگانی و البته محتوا؛ یعنی توجه به وجوه معنایی و دینی این اسامی، فرق دارد و شاید به همین دلایل صوری و محتوایی است که کم‌تر به معاینه در آمده‌اند. معهداً، چندین کتاب، مقاله و رساله، ویژگی‌های صوری و محتوایی اسماء الحسنی و ترجمه آن‌ها به سایر زبان‌ها و از جمله انگلیسی را بررسی کرده‌اند.

در اینجا، البته به آثاری اشاره نمی‌شود که به صورت پراکنده و در راستای اهدافی دیگر، مثلاً بررسی کلی ترجمه یک مترجم، برخی از این اسامی را به مثابه شاهد مثال، بررسی کرده‌اند یا به آن دسته اسماء جلاله پرداخته‌اند که اظهر من الشمس هستند؛ مثلاً عبارت «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» در آیه مبارکه ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾.

در این جستار، به آثار مرتبط با مطالعه اسامی جلاله پرداخته می‌شود.

الملاً (۱۹۸۹)، در بخشی از رساله دکتری منتشر نشده خود، ترجمه چندین اسماء الحسنی را در نه ترجمه سیل، رادول، پیکتال، یوسف‌علی، آربری، داوود، اسد، فرید و ایروینگ بررسی می‌کند؛ با این امید که بتواند این «ادعای نیومارک را اثبات کند که گفته است هنگامی که مفاهیم، ترجمه می‌شوند، غالباً از معنای اصلی خود تهی می‌شوند یا این‌که معنای ثانویه‌ای را به ذهن متبادر می‌کنند» (همان: ۳۲۴). این اسامی عبارتند از: «الله»، «الرحمن الرحيم»، «الخالق»، «الباری»، «المصور»، «القیوم»، «الصمد»، و «الشديد المحال».

برای نمونه، درباره «الباری» می‌نویسد: «الباری یعنی آن‌که بسط و گسترش می‌دهد {که فرایندی} میان «الخلق» و «التصویر» بوده و عمده مترجمان آن را به maker برگردانده‌اند» (همان: ۳۲۷).

الملاً، پس از بررسی ترجمه این اسامی، جمع‌بندی می‌کند: «مفاهیم و عبارات قرآنی ترجمه‌ناپذیرند و اگر قرار بر ترجمه باشد، بهتر است از ترانویسی و توضیحات لازم در پانوشت استفاده شود» (همان: ۳۳۲).

صفارزاده (۱۳۷۹) نیز، گزیده‌ای از اسماءالحسنی را در چهار ترجمه انگلیسی آربری، میراحمدعلی، پیکتال، و یوسف‌علی بررسی و شخصاً نیز ترجمه‌ای برای این اسامی ارائه کرده است. در عین حال، ترجمه‌های پیشنهادی ایشان نیز خالی از اشکال و ایراد نیست که هدایی (۱۳۸۰)، به برخی از این اشکالات اشاره کرده است. صفارزاده ضعف مترجمان انگلیسی را عدم توجه به تمامی وجوه معنایی این اسامی عنوان کرده است.

عبدالرئوف (۲۰۰۱) نیز، ذیل بحث ترجمه‌ناپذیری قرآن، از اسماءالحسنی نیز نام می‌برد. ایراد اصلی عبدالرئوف به مترجمانی است که اسماءالحسنی را با سایر اسامی با معنای مشابه به ویژه در سایر زبان‌ها، اشتباهی می‌گیرند. درباره بن شمش و برداشت اشتباه او از صفات رحیم و رئوف می‌نویسد: «بن شمش، در بحث درباره ۹۹ اسماءالحسنی، معتقد است برخی از این اسامی تکراری است. برای نمونه، او معناهای ظریف و تفاوت‌های دقیق بین صفت «رحیم» (بخشنده، بخشایشگر، فیاض) و «رئوف» (مهربان و مهرگستر) را با هم اشتباه می‌کند. از این رو در ترجمه عبری خود از قرآن، «رحیم» را مهربان/محبوب ترجمه می‌کند (همان: ۶۱).

فراهانی و اسدی (۲۰۱۳) نیز، در مقاله خود به این پرسش پرداخته‌اند که چگونه سه مترجم یعنی شاکر، قرایی و نیک‌آیین، در سه ترجمه انگلیسی خود از قرآن، اسماءالحسنی را ترجمه کرده‌اند. آن‌ها ترجمه این اسامی را در سطوح واژگانی و معنایی بررسی و به راهبردهای مترجمان در ترجمه این اسامی اشاره کرده و نتیجه گرفته‌اند. ایجاز واژگانی و سایه‌روشن‌های معنایی در اسماءالحسنی از جمله مشکلات مترجمان بوده و سه مترجم به ترتیب در ترجمه این اسامی از راهبردهای شبه‌ترادف، بسط معنایی و امتزاجی از هر دو، استفاده کرده‌اند.

با این حال، مبسوط‌ترین تحقیق درباره اسامی خداوند و بررسی برخی از ترجمه آن‌ها، متعلق است به رساله منتشر نشده الغامدی (۲۰۱۵) که گزیده‌ای از اسامی را در پنج ترجمه انگلیسی پیکتال، یوسف‌علی، آربری، هلالی و خان و عبدالحلیم بررسی کرده و نتیجه گرفته

که، این مترجمان، جملگی نه فقط به ظرافت‌های معنایی این اسامی پی نبرده‌اند، بلکه نتوانسته‌اند این واژگان را دقیق و یکسان به انگلیسی برگردانند. با این حال، او ترجمه آربری را از سایرین کارآمدتر تشخیص می‌دهد. الغامدی، پیشنهاد می‌کند برای رفع نواقص در ترجمه این اسامی از فناوری‌های رایانه‌ای مانند حافظه ترجمه^{۱۰} و واژه‌یاب‌های دو زبانه^{۱۱} استفاده شود.

ناظریان و عباسیان (۲۰۱۷) نیز، ترجمه اسامی خداوند را در سه ترجمه فارسی و انگلیسی نیک آیین، صفارزاده و کوشا، از منظر جنسیت و در پرتو الگوی میرعمادی و راهبردهای ترجمه چسترمن، بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که، ایجاز واژگانی^{۱۲}، طبقه واژگانی^{۱۳} و خلاءهای نحوی و معنایی^{۱۴} از جمله مشکلات پیش روی مترجمان در ترجمه این اسامی بوده است. در این میان، به گفته این محققان، نیک آیین و کوشا در مقام مترجمان مرد، بیش‌تر از راهبرد شبه‌ترادف^{۱۵} و صفارزاده از راهبرد تغییر ساختاری^{۱۶} استفاده کرده‌اند.

۳-۱- پرسش تحقیق

در جستار کنونی، علاوه بر توجه به یافته‌های آثار پیشین، پرسش اصلی این است که سخت‌ترجمه‌پذیری گزیده‌ای از اسماء الحسنی که در آیات ۲۳-۲۴ سوره حشر آمده، از منظر الگوهای رایج در بررسی اسامی خاص و به ویژه راهکارهای پیشنهادی بیکر (۲۰۱۸/۱۹۹۲) و لپهالم (۱۹۹۷)، در نه ترجمه نامبردار قرآن یعنی سیل، رادول، پیکتال، یوسف‌علی، آربری، هلالی و خان، ایروینگ، عبدالحلیم و نصر، چه ویژگی‌هایی دارند؟

۲- مبانی نظری پژوهش

عمده چارچوب نظری بحث، در الگوهای پیشنهادی ترجمه‌پژوهان برای ترجمه اسامی خاص، ریشه دارد. در این میان، چند الگو زیانزد است که از آن جمله: نیومارک (۱۹۸۸)، هاروی و هیگنز (۱۹۹۲)، بیکر (۲۰۱۸/۱۹۹۲)، لپهالم (۱۹۹۷)، فرناندز^{۱۷} (۲۰۰۶) و سارکا^{۱۸} (۲۰۰۷) از میان انواع الگوهاست. حال، برای آن‌که بتوان به یافته‌هایی مشخص‌تر دست

یافت، این جستار الگوی لپی‌هالم (۱۹۹۷) را اختیار می‌کند، لیکن در فرایند بررسی، از راهکارهای پیشنهادی بیکر (۲۰۱۸/۱۹۹۲) نیز، استفاده می‌کند.

لپی‌هالم، در اصل، راهکارهایی را برای ترجمه دو نوع اسامی ارائه می‌کند: تلمیح دار و بدون تلمیح. برای ترجمه هریک از این اسامی نیز راهکارهایی پیشنهاد می‌کند. البته، اسماءالحسنی در هیچ یک از این دو دسته جای نمی‌گیرد؛ لیکن اگر آن‌ها را جزو عبارات خاص در نظر بگیریم، می‌توان در کل، آن‌ها را جزو اسامی خاص فرهنگی محسوب کرد. از این رو، بر اساس راهکارهای پیشنهادی لپی‌هالم و به ویژه بیکر، می‌توان دریافت که چگونه نه مترجم مورد نظر، اسامی خداوند را در دو آیه سوره حشر ترجمه کرده‌اند.

لپی‌هالم، برای ترجمه اسامی خاص، سه راهکار کلی دارد: یا این که اسم خاص، بدون تغییر در زبان مقصد حفظ شود؛ یا این که اسم خاص، از رهگذر جایگزینی با اسمی مشابه در زبان مبدأ و/یا مقصد، تغییر کند؛ یا این که اسم خاص در کل حذف شود (۲۰۰۷: ۷۸-۹). راهبرد بنیادین لپی‌هالم برای ترجمه اسامی خاص در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: راهبردهای پیشنهادی لپی‌هالم (۱۹۹۷)

۱- انتقال همان اسم (بدون تغییر و مطابق صورت قراردادی آن در زبان مقصد)، با سه زیر مجموعه: الف) استفاده از همان اسم: برای نمونه، «الرحمن» به Al-Rahman ترجمه شود. ب) استفاده از همان اسم به همراه توضیح اضافی ج) استفاده از همان اسم به همراه توضیح جزئیات، مثلاً در قالب پانویس
۲- جایگزینی اسم با اسمی دیگر که دو زیرمجموعه دارد: الف) جایگزینی اسم با اسمی دیگر در زبان مبدأ؛ ب) جایگزینی اسم با اسمی دیگر در زبان مقصد
۳- حذف اسم که دو زیر مجموعه دارد: الف) حذف اسم اما انتقال مفهوم به کمک اسم دیگر ب) حذف هر دو اسم

بیکر (۱۹۹۲: ۱۸-۲۲)، ابتدا به چند مشکل ترجمه واژگانی که معادلی دقیق در زبان مقصد ندارد، اشاره می‌کند که از جمله این مشکلات، برگردان مفاهیم فرهنگ-محور، مشکل واژگانی که در زبان مقصد ساخت واژگانی مشابه ندارند و واژگانی که از حیث معنایی

پیچیده هستند، است. به نظر می‌رسد در برگردان اسماء الحسنی همین مشکلات نمایان هستند: هم مفاهیمی فرهنگ-محورند، هم ساخت واژگانی مشابه در زبان مقصد ندارند و هم از حیث معنایی و صد البته، سبکی و بلاغی، مفاهیمی پیچیده جلوه می‌کنند. البته، بیکر، برای این مشکلات، راهکارهایی هم پیشنهاد می‌کند که در جدول زیر آمده است:

جدول ۲: راهبردهای پیشنهادی بیکر (۱۹۹۲)

راهکارهای پیشنهادی بیکر
الف) استفاده از شمولیت ^{۱۹} ب) استفاده از معادل‌هایی متعارف‌تر ج) جایگزینی فرهنگی د) استفاده از وام‌واژه ^{۲۰} با توضیح بیشتر ه) بازگزاری ^{۲۱} یا نقل به معنا با واژگانی مرتبط ^{۲۲} و) بازگزاری یا نقل به معنا با واژگانی نامرتب ز) حذف

در این جستار، برای بررسی برگردان اسماء الحسنی، نه مترجم انگلیسی در آیات ۲۳-۲۴ سوره حشر از ترکیب این دو الگو، استفاده می‌شود.

۳- گردآوری دادگان

پیکره اصلی اسامی و صفات خداوند در آیات ۲۳-۲۴ سوره حشر و ترجمه‌های متناظر آن‌ها در نه ترجمه سیل، رادول، پیکتال، یوسف‌علی، آربری، هلالی و خان، ایروینگ، عبدالحلیم و نصر خواهد بود که در بازه زمانی ۱۷۳۴-۲۰۰۶ قرار می‌گیرند. در ادیان ابراهیمی و به ویژه در سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، خداوند با اسامی و القاب خاص، مورد خطاب بوده که «یهوه» و «الوهیم» در سنت یهودی از میان سایر اسامی و «الله» در سنت اسلامی، از اسامی رایج و متداول محسوب می‌شود (در باب اهمیت نام و نامگذاری در سنن ابراهیمی، بنگرید به الملاً ۱۹۸۹). در عین حال، در سنت اسلامی، اسامی و صفاتی خاص را نیز برای

خداوند در نظر می‌گیرند و در باب اهمیت این اسامی و صفات خداوند در کتب و منابع شیعی و سنی، فراوان سخن گفته شده که البته محل بحث جستار کنونی نیست. در مجموع، بیش از دویست نام برای خداوند در قرآن ذکر شده که جملگی مسلمانان بر نود و نه اسم یا اسماء الحسنی توافق دارند. این اسامی به اعتبار این که در بحارالانوار مجلسی (ج ۴: ۱۷۶) و التوحید اثر شیخ صدوق (ج ۸: ۱۹۴) آمده، عبارتند از:

الله، الإله، الواحد، الأحد، الصمد، الأول، الآخر، السميع، البصير، القدير، القاهر، العلي، الأعلى، الباقي، البديع، الباري، الأكرم، الظاهر، الباطن، الحي، الحكيم، العليم، الحليم، الحفيظ، الحق، الحسيب، الحميد، الحفي، الرب، الرحمن، الرحيم، الدار، الرازق، الرقيب، الرؤوف، الرائي، السلام، المؤمن، المهيمن، العزيز، الجبار، المتكبر، السيد، السبوح، الشهيد، الصادق، الصانع، الظاهر، العدل، العفو، الغفور، الغني، الغياث، الفاطر، ألفرد، الفتاح، الفالق، القديم، الملك، القدوس، القوى، القريب، القيوم، القابض، الباسط، قاضي الحاجات، المجيد، المولى، المنان، المحيط، المبين، المقيت، المصور، الكريم، الكبير، الكافي، الكاشف، الضر، الوتر، الثور، الوهاب، الناصر، الواسع، الودود، الهادي، الوفي، الوكيل، الوارث، البر، الباعث، الثواب، الجليل، الجواد، الخبير، الخالق، خير الناصرين، الديان، الشكور، العظيم، اللطيف، الشافي.

این اسامی، در سرتاسر سوره‌های قرآن پراکنده است و به طور خاص در دعای جوشن کبیر که در شب‌های قدر قرائت می‌گردد، ذکر شده است. از میان این اسامی، آن صفاتی مورد نظر است که به طور خاص در دو آیه ۲۳ و ۲۴ سوره حشر آمده است:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۲۲) هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳) هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)﴾

اهمیت این آیات از حیث روابط بینا-واژگانی، بینا-آیه‌ای و بینا-سوره‌ای و نیز از همه مهم‌تر، زیبایی‌ها و رخسندگی‌های جایگیری این صفات در ترتیب و تبویی هنرمندانه و

نظام‌مند و صد البته ویژگی‌های بلاغی خود سوره است: سوره با تسبیح خداوند و با اسماء الحسنی «العزیز الحکیم» شروع می‌شود (انتهای آیه ۱) و با همین اسامی نیز پایان می‌پذیرد (انتهای آیه ۲۴). در واقع، هر آنچه در این سوره آمده، میان این دو اسم نیکوی خداوند ذکر می‌شود.

۳-۱- پیکره ترجمه‌ها

ترجمه اسماء الحسنی در این آیات، از ترجمه‌های نامبردار قرآن در بازه‌های زمانی مختلف (۱۷۳۴-۲۰۰۶) و به دلایل مختلف انتخاب شده است: از اولین تا جدیدترین (سیل - نصر)، از میان مترجمان غیرمسلمان (سیل، رادول، آربری) و مسلمان (پیکتال، یوسف‌علی، هالالی و خان، ایروینگ، عبدالحلیم و نصر)، بومی زبان انگلیسی (سیل، رادول، آربری، ایروینگ)، بومی زبان عربی (هالالی و خان، و عبدالحلیم)، غیربومی زبان عربی (یوسف‌علی و نصر)، یسوعی به اسلام گرویده (پیکتال)، انگلیسی‌الاصل (سیل، رادول، و آربری)، آمریکایی‌الاصل (ایروینگ)، هندی‌الاصل (یوسف‌علی)، عربستانی (هالالی و خان)، مصری‌الاصل (عبدالحلیم) و ایرانی‌الاصل (نصر).

در سنت مطالعات ترجمه، نایدا (۱۹۶۴: ۱۴۹)، چهار نوع ترجمه و مترجم را از هم باز می‌شناسد:

- (۱) مترجمی که از زبان غیربومی به زبان مادری خود ترجمه می‌کند (سیل، رادول، پیکتال، آربری، و ایروینگ)
- (۲) مترجمی که از زبان مادری خود به زبانی غیربومی ترجمه می‌کند (هالالی و خان، و عبدالحلیم)
- (۳) مترجمی که از زبانی غیربومی به زبان غیربومی دیگر ترجمه می‌کند (یوسف‌علی و نصر)
- (۴) مترجم دو زبانه‌ای که زبان‌های مادری خود را به یکدیگر ترجمه می‌کند (هیچکدام).

توجه به این متغیرها ممکن است در انتخاب معادل برای اسماء الحسنی مؤثر باشد یا نباشد. البته، مجال اجازه نمی‌دهد از برخی از جدیدترین ترجمه‌های انگلیسی قرآن از جمله ترجمه‌های قرایی، صفارزاده و نیک آیین، ذکر به میان آوریم.

۳-۲- گردآوری دادگان

برای آن‌که بتوان از وضعیت ترجمه اسامی خاص خداوند در آیات پایانی سوره حشر توصیفی به دست داد و راهبردهای مترجمان را در ترجمه این اسامی از نزدیک مشاهده کرد، ابتدا ترجمه مترجمان را ذکر می‌کنیم. اسماء الحسنی در آیات ۲۳-۲۴ سوره حشر به همراه ترجمه انگلیسی در جدول زیر ذکر شده است:

جدول ۳: بررسی اسماء الحسنی در آیات ۲۳-۲۴ سوره حشر به همراه ترجمه‌های انگلیسی

ترجمه اسماء الحسنی	نام مترجم
الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ... الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ ... الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ	
The King, the Holy, the Giver of peace, the Faithful, the Guardian, the Powerful, The Most High...the Creator, the Maker, the Former... (406-407)	سیل (۱۷۳۴)
The King, the Holy, the Peaceful, the Faithful, the Guardian, the Mighty, the Strong, the Most High...The Producer, the Maker, the Fashioner ... (433-434)	رادول (۱۸۶۱)
the Sovereign Lord, the Holy One, Peace, the Keeper of Faith, the Guardian, the Majestic, the Compeller, the Superb. ... the Creator, the Shaper out of naught, the Fashioner.	پیکنال (۱۹۳۰)
the Sovereign, the Holy One, the Source of Peace (and Perfection), the Guardian of Faith, the Preserver of Safety, the Exalted in Might, the Irresistible, the Supreme: ... the Creator, the Evolver, the Bestower of Forms (or Colours)	یوسف علی (۱۹۳۴)
the King, the All-holy, the All-peaceable, the All-faithful, the All-Preserver, the All-mighty, the All-compeller, the All-sublime...the Creator, the Maker, the Shaper.	آربری (۱۹۵۵)
The King, the Holy, the One Free from all defects, the Giver of security, the Watcher over His creatures, the All-Mighty, the Compeller, the Supreme ...the Creator, the Inventor of all things, the Bestower of forms	هلالی و خان (۱۹۷۴)

the Sovereign, the All-holy, the All-benign, the Securer, the All-conserver, the All-mighty, the All-compeller, the All-magnanimous. ... the Creator, the Maker, the Former.	ایروینگ (۱۹۸۵)
the Controller, the Holy One, Source of Peace, Granter of Security, Guardian over all, the Almighty, the Compeller, the Truly Great; ... the Creator, the Originator, the Shaper.	عبدالحمیم (۲۰۰۴)
the Sovereign, the Holy, Peace, the Faithful, the Protector, the Mighty, the Compeller, the Proud. ... the Creator, the Maker, the Fashioner;	نصر (۲۰۰۶)

۳-۳- توصیف و تحلیل ترجمه‌ها

اول، در باب معانی و تعبیر این اسامی میان مفسران، اجماع کلی دیده نمی‌شود، لیکن در عمده تفاسیر، برخی معناها وجوه مشترک دارند (بنگرید به طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۹: ۳۸۲-۳؛ قرائتی، تفسیر نور، ج ۹: ۵۶۴؛ شیخ طوسی، ترجمه تفسیر تبیان، ج ۲۴: ۳۴۹-۳۵۰؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۱۴: ۲۵۶؛ روض الجنان، ج ۱۹: ۱۴۲-۱۴۳؛ طبرسی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۶: ۲۸۸-۲۸۹؛ کاشانی، تفسیر خلاصه منهج الصادقین، ج ۶: ۱۵۱-۲؛ محلی، تفسیر الجلالین، ج ۱: ۵۱؛ از میان سایر تفاسیر شیعی و سنی متداول). برای نمونه، در تفسیر علیین (کریمی حسینی، ج ۱: ۵۴۸) معنای این اسامی به شرح زیر است:

الْقُدُّوسُ: از هر عیب و نقص و آفت پاک است و از هر زشتی منزّه است.

السَّلَامُ: به دو معنا آمده است: ۱) سالم است و عیب‌ناک نیست. ۲) بندگان از ظلم او در امان هستند.

الْمُؤْمِنُ: ایمن‌بخش؛ چون بندگان از ظلم آن در امنیت هستند.

الْمُهَيَّمُنُ: به چند معنا آمده است: ۱) امین. ۲) مؤمن. ۳) رقیب. اصل آن «مُئِمِّن» از «امن» است؛ همزه مبدل به «ها» شد، تا لفظ هم مانند معنی با اِئِهت و با عظمت باشد.

الْعَزِيزُ: قادری که مغلوب نمی‌شود.

الْجَبَّارُ: عظیم‌الشأن در فرمانروایی. به کار بردن «جبار» در باری تعالی مدح است و به کار بردن آن در غیر خدا ذمّ است.

الْمُتَكَبِّرُ: مستحق صفات تعظیم.

الْبَارِئُ: خالق. الْمَصَوِّرُ: صورت‌بخش اشیا.

٣-٣-١- الْمَلِكُ

در ترجمه *المیزان* (ج ۱۹: ۳۸۲)، ملک، در معنای «مالک تدبیر امور مردم، و صاحب اختیار آنان»، آمده است. این واژه، دو معنای مرتبط به هم دارد: پادشاه و صاحب‌اختیار. سیل، رادول، آربری، و هلالی و خان، آن را به king برگردانده‌اند که به معنای «پادشاه» است که نوعی «شبه-ترادف»^{۳۳} است. از نظر بیکر، معادلی شمول و در عین حال متعارف و تحت‌اللفظی است که معادل دقیق «الملک» نیست و بیش‌تر مترجمان قرآن king را معادلی برای «الله» پیشنهاد کرده‌اند که نوعی جایگزینی فرهنگی است، چون دربرگردان انگلیسی کتاب مقدس، معادل «بیهوه» آمده است. پیکتال، یوسف‌علی، ابروینگ و نصر به sovereign ترجمه کرده‌اند که به معنای «برخورداری از بیش‌ترین توانمندی و استقلال کامل»، است. به نظر می‌رسد مترجمان از جایگزینی با معادلی آشناتر و در عین حال، خاص‌تر در فرهنگ مقصد استفاده کرده‌اند که نوعی شبه-ترادف نیز محسوب می‌شود. عبدالحلیم آن را به controller برگردانده که معادلی عام‌تر و بدون بار معنایی و سایه‌روشن‌های «الملک» است.

جدول ۴: بررسی ترجمه‌های «الْمَلِكُ»

معادل	نام مترجم
king	سیل
king	رادول
Sovereign One	پیکنال
Sovereign	یوسف علی
king	آربری
king	هلای و خان
sovereign	ایروینگ
controller	عبدالحلیم
sovereign	نصر

۳-۳-۲- اَلْقُدُّوسُ

اسم مبالغه بر وزن فعول است؛ یعنی بسیار پاک، مأخوذ از «واژه قدس به معنای نراحت و پاکی» (ترجمه المیزان، ج ۱۹: ۳۸۲). همه مترجمان به the holly یا All-Holly یا the Holy-one برگردانده‌اند که «جایگزینی با معادلی مشابه اما متعارف‌تر در زبان مقصد» است. پیکتال و عبدالحلیم با افزودن one معنای آن را خاص‌تر کرده‌اند. آربری و ایروینگ با افزودن all دست به بسط معنایی^{۲۴} زده‌اند.

جدول ۵: بررسی ترجمه‌های «اَلْقُدُّوسُ»

معادل	نام مترجم
the Holy	سیل
the Holy	رادول
the Holy One	پیکتال
the Holy	یوسف علی
the All-holy	آربری
the Holy	هلالی و خان
the All-holy	ایروینگ
the Holy One	عبدالحلیم
the Holy	نصر

۳-۳-۳- السَّلَامُ

سلام، دو معنا دارد: سلامتی و ایمن بودن (آلوسی: ۲۵۶). جملگی مترجمان معنای دوم را در نظر داشته‌اند و هلالی و خان، معنای اول را. سیل، تحت‌اللفظی ترجمه کرده؛ یوسف‌علی و عبدالحلیم، با افزودن کلماتی، تصریح معنایی انجام داده‌اند. ایروینگ، معادلی مشابه و خاص‌تر را جایگزین کرده است. هلالی و خان به بازگزاری و نقل معنا با واژگانی مرتبط (در تقسیم‌بندی بیکر)، دست زده‌اند. سایرین، معنای «سلامتی» را انتقال داده‌اند.

جدول ۶: بررسی ترجمه‌های «السَّلَامُ»

معادل	نام مترجم
the Giver of peace	سیل
the Peaceful	رادول

پیکنال	Peace
یوسف علی	the Source of Peace (and Perfection)
آربری	the All-peaceable
هلالی و خان	the One Free from all defects
ایروینگ	the All-benign
عبدالخلیم	Source of Peace
نصر	Peace

۳-۳-۴- المؤمن

مؤمن، از امن مشتق شده، به معنای ایمنی و آرامش قلب (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۲۳). در ترجمه تفسیر/المیزان به معنای امنیت/بخش و پناه‌دهنده آمده است (ج ۱۹: ۳۸۲). سیل، رادول و نصر، the Faithful را آورده‌اند؛ به معنای صاحب ایمان. پیکنال، «صاحب ایمان»، معادل‌یابی کرده؛ یوسف‌علی به «محافظ ایمان»؛ هلالی و خان و عبدالخلیم به «ایمنی‌بخش»، برگردانده‌اند که نقل به معناست و البته به معنای پیشنهادی تفسیر/المیزان نزدیک است. ایروینگ نیز، securer معادل‌یابی کرده که به معنای «محکم، پابرجا، و استوار» (حق‌شناس، ۱۳۸۰: ۱۵۳۰)، است. مترجمان تلاش کرده‌اند با جایگزینی اسم یا اسامی با بار معنایی خاص، وجوهی از معناهای «المؤمن» را بازتاب دهند.

جدول ۷: بررسی ترجمه‌های «المؤمن»

نام مترجم	معادل
سیل	the Faithful
رادول	the Faithful
پیکنال	the Keeper of Faith
یوسف علی	the Guardian of Faith
آربری	the All-faithful
هلالی و خان	the Giver of security
ایروینگ	the Securer
عبدالخلیم	Granter of Security
نصر	the Faithful

۳-۳-۵- الْمُهَيِّمُ

طباطبایی در *المیزان* آن را به معنای غلبه و تسلط یافتن معنا کرده است (ج ۱۹: ۲۲۲). سیل، رادول و آربری آن را به *guardian* برگردانده‌اند که جایگزینی با اسمی با کارکرد مشابه است. پیکتال واژه *faith* را هم افزوده که جایگزینی با اسمی مشابه به همراه تخصیص آن با توضیحی بیش‌تر است. هلالی و خان *giver of security* و عبدالحلیم *granter of security* برگردانده‌اند که تحت‌اللفظی است و بسط معنایی پیدا کرده است. آربری به *all-preserver* و نصر به *protector* برگردانده‌اند که معادل‌یابی دقیق نیست؛ چون همه مترجمان معنای «غلبه» و «استیلا» را که در واژه مهیمن مستتر است، به «حفیظ» تعبیر کرده و از همین روست که از *guardian* و *protector* استفاده کرده‌اند.

جدول ۸: بررسی ترجمه‌های «الْمُهَيِّمُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Guardian
رادول	the Guardian
پیکتال	the Guardian
یوسف علی	the Preserver of Safety
آربری	the All-Preserver
هلالی و خان	the Watcher over His creatures
ایروینگ	the All-conserver
عبدالحلیم	Guardian over all
نصر	Guardian over all

۳-۳-۶- الْعَزِيزُ

عزیز دو معنا دارد: آن‌که نمی‌توان بر او غالب شد و آن‌که از هرگونه دسترسی مبرا است (طبرسی، ج ۹: ۴۰۰). همچنین، آن‌که هرچه دیگران دارد از نزد اوست (طباطبایی، ج ۱۹: ۳۸۲). مترجمان به طرق مختلف معادل‌یابی کرده‌اند. رادول و نصر به *mighty* برگردانده‌اند که شبه-ترادف است. آربری، هلالی و ایروینگ، به *All-mighty* و آربری و ایروینگ، به *all-preserver* و *all-conserver* برگردانده‌اند که بسط معنایی است. سیل نیز، به *powerful*

و پیکتال نیز به majestic برگردانده‌اند که جایگزینی با معادلی با کارکرد مشابه است. یوسف‌علی نیز، به exalted in might معادل‌یابی کرده که بسط معنایی است. هریک از مترجمان، به وجهی از معانی چندگانه این اسم نظر داشته‌اند.

جدول ۹: بررسی ترجمه‌های «الْعَزِيزُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Powerful
رادول	the Mighty
پیکتال	the Majestic
یوسف علی	the Exalted in Might
آربری	All-mighty
هلالی و خان	All-mighty
ایروینگ	All-mighty
عبدالحمید	the Almighty
نصر	the Mighty

۳-۷-۳- الجَبَّارُ

ایزوتسو (۱۳۸۸: ۳۰۴)، واژه جبار را در حوزه معنایی کفر و همراه با متکبر ذکر کرده است. از این رو، صفتی سلبی است. در لغت، «به درخت بلند خرما می‌گویند که دست به آن نمی‌رسد» (سیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). در خصوص خداوند این صفت یعنی آن قدر خداوند بلندمرتبه است که کسی را یارای درک ذات و صفات او نیست (رازی: ۸۴، منقول در سیدی، همان‌جا).

پیکتال، هلالی و خان، عبدالحمید و نصر، به compeller برگردانده‌اند که از نظر بیکر، معادلی مشابه، اما متعارف است. آربری و ایروینگ، واژه all را نیز افزوده‌اند که نوعی بسط معنایی است. سیل، ترجمه نکرده، رادول، به strong و یوسف‌علی هم، به irresistible برگردانده‌اند که هر دو شبه-ترادف‌اند و وجهی از معنای «جبار» را نشان می‌دهند.

جدول ۱۰: بررسی ترجمه‌های «الْجَبَّارُ»

نام مترجم	معادل
سیل	-
رادول	the Strong
پیکنال	the Compeller
یوسف علی	the Irresistible
آربری	the All-Mighty
هلالی و خان	the Compeller
ایروینگ	the All-Mighty
عبدالخلیم	the Compeller
نصر	the Compeller

۳-۳-۸- الْمُتَكَبِّرُ

مترجمان، به طرق مختلف ترجمه کرده‌اند. سیل و رادول، به the most high معادل‌یابی کرده‌اند که دقیق نیست. یوسف علی، و هلالی و خان، به the supreme برگردانده‌اند که یک وجه از معنای المتکبر را نشان می‌دهد. آربری، all-sublime آورده که معنای شکوهمند دارد و کامل نیست. ایروینگ، all-magnanimous آورده که بر شکوهمندی تأکید دارد و بسط معنایی است. عبدالخلیم، truly great آورده که تحت‌اللفظی است و نصر نیز، proud آورده که معنای تحت‌اللفظی متکبر را نشان می‌دهد و بیش‌تر بر معنا و مفهوم منفی دلالت دارد.

جدول ۱۱: بررسی ترجمه‌های «الْمُتَكَبِّرُ»

نام مترجم	معادل
سیل	The Most High
رادول	The Most High
پیکنال	the Superb
یوسف علی	the Supreme
آربری	the All-sublime
هلالی و خان	the Supreme
ایروینگ	The All-magnanimous
عبدالخلیم	the Truly Great
نصر	the Proud

پس از این اسامی نیکو، آیه ۲۳ با عبارت ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ پایان می‌یابد و آیه ۲۴ آغاز می‌شود. در این آیه، سه اسم نیکو در ابتدای آیه ذکر شده و دو اسم «العزیز الحکیم» نیز، در پایان آیه آمده است. عجلتاً، به سه اسم ابتدایی اشاره می‌شود. این سه اسم هریک وجهی از وجوه آفرینندگی خداوند را نشان می‌دهند. در ترجمه تفسیر المیزان آمده است:

کلمه "خالق" به معنای کسی است که اشیایی را با اندازه‌گیری پدید آورده باشد و کلمه "بارئ" نیز، همان معنا را دارد، با این فرق که "بارئ" پدید آورنده‌ای است که اشیایی را که پدید آورده از یکدیگر ممتازند و کلمه "مصور" به معنای کسی است که پدید آورده‌های خود را طوری صورتگری کرده باشد که به یکدیگر مشتبه نشوند. بنابراین، کلمات سه‌گانه، هر سه، متضمن معنای ایجاد هستند؛ اما به اعتبارات مختلف که بین آن‌ها ترتیب هست، برای این که تصویر فرع این است که خدای تعالی بخواهد موجودات را متمایز از یکدیگر خلق کند و این نیز فرع آن است که اصلاً بخواهد موجوداتی بیافریند (ج ۱۹: ۳۸۲).

۳-۳-۹- الْخَالِقُ

در اصل، خلق کردن از هیچ چیز است. از نظر زمخشری (منقول در سیدی ۱۳۹۰: ۲۲۹)، «خالق آن است که ایجاد می‌کند و به اندازه می‌آفریند و بارئ یعنی آن که اشیاء را به شکل‌های مختلف از یکدیگر متمایز می‌سازد». جز رادول که producer معادل‌یابی کرده که تحت اللفظی است، سایر مترجمان creator (ایجادکننده و آفریننده) آورده‌اند که معادل‌یابی با اسمی مشابه و کارکردی یکسان است.

جدول ۱۲: بررسی ترجمه‌های «الْخَالِقُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Creator
رادول	the Producer
پیکتال	the Creator

the Creator	یوسف علی
the Creator	آربری
the Creator	هلالی و خان
the Creator	ایروینگ
the Creator	عبدالحلیم
the Creator	نصر

۳-۱۰-۳- الٰہی

به معنای پدیدآورنده‌ای است که پدیده‌هایش از یکدیگر متمایز باشند (قرائتی، ج ۹: ۵۶۵). از این رو، «بارئ» از ریشه «برء»، بسط و گسترش دادن هر آن‌چیزی است که پیش‌تر خلق شده است. از این رو، آن را مرحله‌ای میان «خلق» و «صورت» می‌دانند. سیل، رادول، آربری، ایروینگ و نصر، به maker برگردانده‌اند که به معنای «سازنده» است و ساختن، بر اساس چیزی از پیش، مخلوق را به ذهن متبادر می‌کند و جایگزینی با اسمی مشابه و کارکردی یکسان در زبان مقصد است. پیکتال، به shaper out of naught برگردانده که دقیق نیست؛ چون «بارئ» از پی فرایند خلقت خالق می‌آید. یوسف‌علی، به evolver برگردانده که تا حدودی افاده معنا می‌کند. هلالی و خان، به inventor of all things برگردانده‌اند که در معنای «ابداع همه چیزهای از پیش موجود» و معنای «ساختن پس از خلق» را نشان می‌دهد و جایگزینی با اسمی مشابه و تعمیم معنایی است. عبدالحلیم نیز، به originator برگردانده که اگر در معنای مبدع باشد، افاده معنا می‌کند. همچنین، این معادل، «از کتم عدم آفریدن» یا «آغازیدن از هیچ» نیز، معنا می‌دهد که مناسب اسم «الخالق» است.

جدول ۱۳: بررسی ترجمه‌های «الٰہی»

نام مترجم	معادل
سیل	the Maker
رادول	the Maker
پیکتال	the Shaper out of naught
یوسف علی	the Evolver
آربری	the Maker
هلالی و خان	the Inventor of all things
ایروینگ	the Maker

the Originator	عبدالحمیم
the Maker	نصر

۳-۱۱-المُصَوِّرُ

به معنای صورتگری و شکل دادن است که پس از خلق و ابداع می آید. سیل و ایروینگ، به former برگردانده اند که به معنای «شکل دهنده» است. رادول، پیکتال و نصر، به fashioner برگردانده اند که به معنای «صورت دادن» است. آربری و عبدالحمیم، shaper آورده اند که مترادف «شکل دادن» است. یوسف علی، the Bestower of Forms (or Colours) تصریح معنایی کرده است و هلالی و خان نیز، همین معادل را برگزیده اند.

جدول ۱۴: بررسی ترجمه های «المُصَوِّرُ»

نام مترجم	معادل
سیل	the Former
رادول	the Fashioner
پیکتال	the Fashioner
یوسف علی	the Bestower of Forms (or Colours)
آربری	the Shaper
هلالی و خان	the Bestower of forms
ایروینگ	the Former
عبدالحمیم	the Shaper
نصر	the Fashioner

۴- بحث و بررسی

اگر از منظر شیوه های دوگانه مرسوم در مطالعات ترجمه، یعنی صوری/پویا (نایدا، ۱۹۶۴)، معنایی/ارتباطی (نیومارک، ۱۹۸۱) و مستقیم/غیرمستقیم (وینی و داربلنه، ۱۹۵۸/۱۹۸۲) و از میان سایر دوگانه ها نگاه کنیم، عمده مترجمان یا از ترجمه مستقیم/تحت اللفظی استفاده کرده اند، یا این که تلاش کرده اند اسامی خداوند را با معادل هایی مناسب در زبان مقصد (۲ب)، جایگزین کنند که از جمله راهکارهای پیشنهادی لپی هالم است، یا از معادل هایی متعارف تر یا بسط معنایی و بازگزاری با کلمات مرتبط استفاده کرده اند که از راهکارهای

پیشنهادی بیکر محسوب می‌شود. در واقع، به نظر می‌رسد همه مترجمان گرچه معادل‌های مختلف برای این اسامی پیشنهاد داده‌اند، نتوانسته‌اند تمام وجوه رنگارنگ مشتمل بر مفاهیم دینی و وجوه سبکی یعنی ویژگی‌های آوایی، ایقاعی و موسیقایی این اسامی را بازتاب و انتقال دهند و شیوه غالب آن‌ها در ترجمه، استفاده از راهبرد شیوه معنایی^{۲۵} و انواع فرعی آن به ویژه ترجمه تحت‌اللفظی^{۲۶} بوده و در این میان تلاش کرده‌اند اسامی خداوند را با اسامی مشابه جایگزین کنند که گاه، در زبان مقصد، تعادلی کارکردی^{۲۷} پیدا کرده‌اند و گاه، پیدا نکرده‌اند.

در این جا، می‌توان مشکلات و مسایل پیش روی مترجمان در برگرداندن اسماء الحسنی را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

اول این‌که، مفاهیم و اصطلاحات قرآنی و به ویژه اسماء الحسنی در سنن اسلامی دارای بارهای معنایی و تلویحات چندلایه و ژرف است و از این رو، گاه، بخشی از معانی چندگانه آن‌ها از دست می‌رود که در مطالعات ترجمه از آن به فقدان/باخته^{۲۸} یاد می‌کنند. از این حیث، این اسامی، به سهولت تن به ترجمه نمی‌دهند و سخت ترجمه‌پذیر جلوه می‌کنند. برای نمونه، مترجمی مانند سیل، درست است که از اسامی مشابه در زبان مقصد استفاده کرده، لیکن معادل‌هایی که برگزیده، تحت‌اللفظی است (مانند معادل‌یابی برای «الملک» و «السلام») که وجوه معنایی چندگانه این اسامی و صفات را نشان نمی‌دهد. یا این‌که در یک مورد مانند «الجبار»، نتوانسته مفاهیم دینی این اسم را انتقال بدهد و آن را حذف کرده است.

دوم، در عین این‌که، در برگردان مفاهیم و اصطلاحات خاص قرآنی، علی‌العموم و اسماء الحسنی به طور خاص، ویژگی‌های سبکی مشتمل بر وجوه آوایی، ایقاعی، هارمونیک و موسیقایی نیز مطرح می‌شود که عمدتاً در ترجمه‌ها از دست رفته است؛ که البته تا اندازه‌ای طبیعی است و گریزناپذیر می‌نمایند؛ چون ویژگی‌هایی آوایی و موسیقایی از اولین مواردی

است که به سبب تغییرات آوایی دو زبان، از دست می‌رود. در این جا نیز نوعی فقدان/باخته ابتدا در سطوح آوایی و بالتبع، در سطوح معنایی رخ می‌دهد.

سوم، فقدان آوایی و معنایی، سبب از دست رفتن انسجام متنی^{۲۹} و بافتی نیز می‌شود، چه برای نمونه، در دو آیه انتهایی سوره حشر، تکرار اسماءالحسنی نوعی پیوستگی و انسجام متنی بینا-واژگانی، بینا-آیه‌ای در متن خود آیات ۲۲-۲۳ و میان-آیه‌ای هم‌راستا با آیات پیشین برقرار می‌کند که در برگردان تحت اللفظی عمده مترجمان از دست رفته است. از این حیث، توجه به بافت برون/درون زبانی و سیاق آیات، نکاتی است که از دید مترجمان پیش گفته، مغفول مانده است. در واقع، مترجمان این اسامی را واژگانی جدا و مستقل فرض کرده‌اند، حال آن‌که در اصل متن قرآن، این واژگان، مجموعه‌ای به هم پیوسته از معنا و مفاهیم را در ساختار بلاغی کارآمد نشان می‌دهند. زیبایی مرتب شدن این صفات، یکی پس از دیگری بدون استفاده از حرف ربط «و»، «زیبایی تألیف و ساختی گوش‌نواز با سبکی روان» (کواز، ۱۳۸۶: ۲۸۰) را نشان می‌دهد. در سبک بلاغی قرآن، از این ویژگی به فصل بلاغی^{۳۰} یاد می‌شود که در آن حرف ربط «واو» میان دو یا چند واژه یا جمله حذف می‌شود. میر (۱۳۹۰: ۸۸)، می‌نویسد:

حذف حرف ربط میان صفات الاهی نشان می‌دهد که فقط خداوند است که کنش آفرینش را در سیر تکوینی آن تکامل می‌بخشد: او مبدع آفرینش است (الخالق)؛ او نقصان را از هر آنچه خلق کرده، می‌زداید (الباری)؛ مقایسه کنید با مجسمه‌سازی که اضافات را می‌زداید؛ و سرانجام این‌که، او به هر آنچه خود آفریده، شکل مناسب خود را می‌بخشد (المصور). بنابراین، شگرد فصل بلاغی بر این نکته تأکید می‌کند که فقط یک خداست که می‌تواند این سه کنش را انجام دهد؛ اوایی که تنها خالق و بنابراین، تنها آفریدگار است.

در این جا، فقدان یا حذف حرف ربط، نشان می‌دهد که واژگان یا رخدادها در نبود فاصله مکانی یا تأخیر زمانی، فشرده شده و با هم رابطه‌ای نزدیک پیدا می‌کنند (همان‌جا). از این رو، لازم است در برگردان واژگان و مفاهیم خاص گفتمان قرآنی و به ویژه

اسماء الحسنی، علاوه بر سطوح واژگانی، به سطوح نحوی، معنایی و به ویژه بلاغی قرآن هم توجه نشان داد، چه در این آیات، چینش واژگان و اسامی به گونه‌ای است که بحث تقدم و تأخر در آن‌ها قابل توجه است.

چهارم و مهم‌تر این که برخی از این اسامی در سور دیگر نیز، تکرار شده‌اند و لزوم حفظ پیوستگی و یک‌دستی معنایی یا تغییر و تنوع در معادلیابی در پرتو بافت و سیاق آیات، لازم و ضروری است. به دیگر سخن، لازم است که مترجمان در فرایند ترجمه به موقعیت بافتی اسماء الحسنی نیز توجه کنند.

۵- نتیجه گیری

بر اساس پرسش اصلی تحقیق که بیان ویژگی‌های سخت ترجمه‌پذیری اسماء الحسنی در گزیده‌ای از ترجمه‌های انگلیسی قرآن است، جستار حاضر به نتایج زیر دست یافت:

(۱) بررسی تعاریف اسماء الحسنی در منابع تفسیری شیعی و سنی، نشان می‌دهد که میان مفسران بر سر معناها و تعبیر این اسامی اجماع نظر دیده نمی‌شود.

(۲) به همین نسبت، میان مترجمان بر سر معادلیابی دقیق، برای این اسامی هم، اجماع نظر دیده نمی‌شود و بسته به این که، مترجم به کدام منبع تفسیری دسترسی داشته و کدام وجوه معنایی یا سبکی را لحاظ کرده است، برگردان‌های مختلف و بیش‌تر تحت‌اللفظی، ارائه داده‌اند. در واقع، مترجمان معادل‌های خود را بدون توجه به ساخت واژگانی، معنایی و بلاغی این اسامی، ارائه داده‌اند.

(۳) از میان مترجمان، سیل، در مقام اولین و رادول، در مقام دومین مترجم غیرمسلمان و انگلیسی‌الاصل، برگردان اسامی را بیش‌تر تحت‌اللفظی و نزدیک به فرهنگ مبدأ ترجمه کرده‌اند. با این حال، پیکتال، در مقام اولین مترجم انگلیسی‌زبان یسوعی زاده، که به اسلام گرویده، تلاش کرده حساسیت‌های فرهنگ اسلامی را هم نشان بدهد.

۴) یوسف علی، در مقام مترجم مسلمان غیرعرب زبان هندی الاصل، تلاش کرده برای تبیین وجوه مختلف اسامی خداوند، از تصریح و تخصیص معنایی استفاده کند و اسامی را برای ادراک پذیری خواننده انگلیسی با توضیحاتی همراه کند.

۵) آربری، در مقام مترجم غیرمسلمان انگلیسی زبان، تلاش کرده بارهای عاطفی و معناهای اسامی را با وسواس بیش تر ترجمه کند.

۶) هالالی و خان و عبدالحلیم، در مقام بومیان دو کشور عربی مسلمان، وجوه معنایی اسامی در فرایند معادل یابی را با دقت بیش تری نشان داده، هرچند گاه، معادل ها را تحت اللفظی ذکر کرده یا نتوانسته اند به سایر وجوه توجه نشان دهند.

۷) نصر نیز، در مقام مترجم ایرانی مسلمان و غیربومی زبان عربی، تلاش کرده در انتخاب معادل ها، ایجاز و اختصار را فراموش نکند و به وجوه معنایی اسامی توجه نشان داده، هرچند گاه، در برگردان، فقط به یک وجه ظاهری اسم، توجه داشته، مانند واژه «متکبر» که آن را به «مغرور» برگردانده است.

۸) در مجموع، عدم اجماع نظر مترجمان در انتخاب معادل ها نشان می دهد که یا منابع تفسیری آن ها یکسان نبوده یا این که به ویژگی های واژگانی یا معنایی و به ویژه بلاغی این اسامی کم تر عنایت داشته اند.

۶- مطالعات آتی

در تحقیقی جداگانه می توان ترجمه تمامی نود و نه اسم نیکوی خداوند را در ترجمه های مشهور انگلیسی و فارسی به صورت تطبیقی بررسی و به حفظ پیوستگی و یکدستی معادل های پیشنهادی مترجمان دقت کرد. همچنین، می توان اسامی خداوند را در سه کتاب ابراهیمی به صورت تطبیقی بررسی و تحلیل کرد. نتایج این تحقیق را نیز می توان با نتایج سایر تحقیق های مرتبط و مبتنی بر سایر الگوها، بررسی تطبیقی کرد تا وجوه مشترک و

متفاوت در ترجمه اسماء الحسنی را نشان داد. همچنین، می توان از سایر الگوهای پیشنهادی برای برگردان اسامی خاص نیز استفاده کرد و دریافت که کدام راهکارها بسامد بالاتر دارد.

۷- پی نوشت

- 1 Similarity
- 2 Equivalence
- 3 Divine Names
- ۴ . این نکته را مرهون تذکر یکی از داوران مجله حاضر هستم. از ایشان تشکر می کنم.
- 5 Proper Names
- 6 Newmark
- 7 Harvey & Higgins
- 8 Lippihalme
- 9 Cultural-bound Names
- 10 Translation Memory
- 11 Bilingual Concordance
- 12 Lexical Compression
- 13 Word Class
- 14 Voids
- 15 Near Synonymy
- 16 Structure Change
- 17 Fernandes
- 18 Sarka
- 19 Superordinate
- 20 Loan Words
- 21 Paraphrase
- 22 Related Words
- 23 Near-Synonymy
- 24 Semantic Expansion
- 25 Semantic Strategy
- 26 Literal Translation
- 27 Functionally Equivalence
- 28 Loss
- 29 Textual Coheence
- 30 Asyndeton

۸- منابع

- ۱- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (۱۴۱۵ق).
- ۲- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* (بیست مجلد)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (۱۴۰۱ق).
- ۳- ایزتسو، توشیهیکو، *مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، (۱۳۸۸ش).
- ۴- پیرنجم‌الدین، حسین، «بررسی تلمیح اسامی خاص در ترجمه‌های انگلیسی گلستان»، *مطالعات ترجمه*، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۵-۲۲، (۱۳۸۶ش).
- ۵- حری، ابوالفضل، «سخت ترجمه‌پذیری کتاب المبین به منزله اثری ادبی»، *مطالعات ترجمه*، سال پنجم، ش ۱۷، صص ۵-۲۶، (۱۳۸۶ش).
- ۶- حق شناس، علیمحمد، *فرهنگ معاصر هزار (انگلیسی- فارسی)*، تهران: نشر فرهنگ معاصر، (۱۳۸۰ش).
- ۷- سیدی، سیدحسین، *تغییر معنایی در قرآن: بررسی رابطه بینامتنی قرآن با شعر جاهلی*، تهران: سخن، (۱۳۹۰ش).
- ۸- کریمی حسینی، عباس، *تفسیر علین، قم: اسوه*، (۱۳۸۲ش).
- ۹- صفارزاده، طاهره، *ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی- انگلیسی)*، تهران: نشر سایه، (۱۳۷۹ش).
- ۱۰- طباطبایی، محمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان (بیست مجلد)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۷۴ش).
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع (شش مجلد)*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (۱۳۷۵ش).

- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: فراهانی، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (بی تا).
- ۱۳- عنابی سراب، محمدرضا، «بررسی ترجمه اسامی خاص در رمان های ترجمه شده از انگلیسی به فارسی برای نوجوانان»، مطالعات ترجمه، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۳۰-۹، (۱۳۸۸ ش).
- ۱۴- قرائتی، محسن، تفسیر نور (ده مجلد)، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (۱۳۸۸ ش).
- ۱۵- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر از مرکز اسلامی نور، (۱۳۷۲ ش).
- ۱۶- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، تفسیر خلاصه منهج الصادقین: مسمی به خلاصه المنهج (شش مجلد)، تهران: اسلامی، (۱۳۶۳ ش).
- ۱۷- کواز، محمدکریم، سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: سخن، (۱۳۸۶ ش).
- ۱۸- محلی، محمدبن احمد، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات، (۱۴۱۶ ق).
- ۱۹- میر، مستنصر و عبدالرئوف، حسین، فنون و صنایع ادبی در قرآن، در مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی: رویکردهای زبانی- سبک شناختی، ترجمه ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر، (۱۳۹۰ ش).
- ۲۰- میرزا سوزنی، صمد، ترجمه اسامی خاص مشکلات و راهکارها، مطالعات ترجمه، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۷-۲۴، (۱۳۸۷ ش).
- ۲۱- هدایی، علیرضا، نقدی بر ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید، کتاب ماه دین، ش ۴۳، صص ۳-۷، (۱۳۸۰ ش).

- 22- Abdel-Haleem, M.A.S.. *The Qur'an: A New Translation*. New York: Oxford University Press. (2004).
- 23- Abdelwali, M.. The loss in the translation of the Qur'an. *The Translation Journal*, 11(2). Retrieved from <http://www.translationjournal.net/journal/00toc.htm> (2007).
- 24- Abdul-Raof, H.. *Qur'an Translation: Discourse, Texture and Exegesis*. London: Curzon. (2001).
- 25- Al Ghamdi, S. A. S.. *Critical and Comparative Evaluation of the English Translations of the Near-Synonymous Divine Names in the Quran*. Unpublished PhD dissertation, The University of Leeds. (2015).

- 26- Al-Hilali, M. T., and Khan, M. M.. *Translation of the Meanings of the Noble Qur'an in the English Language*. Madina: King Fahd Complex for the Printing of the Holy Qur'an. (1983).
- 27- Al-Mulla, S.. *The Question of the Translatability of the Qur'an, With Particular Reference of Some English Versions*. Unpublished PhD Thesis: University of Glasgow. (1989).
- 28- Arberry, A. J.. *The Koran Interpreted*. London: George Allen & Unwin. (1955).
- 29- Baker, M.. *In Other Words: A Course Book on Translation*. London and New York: Routledge. (1992/2018).
- 30- Farahani, M. & Amjad, F.. Problems and Strategies in English Translation of Quranic Divine Names. *International Journal of Linguistics*, 5(1), pp. 128-142. (2013).
- 31- Fernandes, L.. *Translation of names in children's fantasy literature: Bringing young reader into play*. [On-line]. Available at <http://www.iatis.org/newvoices/issues/2006/fernandes-paper-2006.pdf>. (2006).
- 32- Hervey, S., & Higgins, I. (1992). *Thinking Translation*. London and New York: Routledge. (1992)
- 33- Irving, T. B.. *the Qur'an: the First American Translation*. Brattleboro: Amana Books. (1985).
- 34- Leppihalme, R.. *Culture Bump: An Empirical Approach to the Translation of Allusions*. UK: British Library. (1997).
- 35- Nasr, S. H.. *The Study of Quran: A New Translation and Commentary*. New York: Harper Collins Publisher. (2015).
- 36- Nazerian, S., & Abassian, G.. Translation of the Qur'anic Divine Attributes: (a Gender-Based Approach to the Problems and Strategies). Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication/312196923>. (2017).
- 37- Newmark, P.. *A textbook of translation*. London: Prentice Hall International. (1988).
- 38- Pickthall, M.. *The Meaning of the Glorious Qur'an: An Explanatory Translation*. London: George Allen & Unwin Ltd. (1930/1969).
- 39- Rodwell J.. *The Koran—Translated from the Arabic*. London: J.M. Dent & Co. (1861).
- 40- Sale, G. (1734). *The Koran Commonly Called the Al-Koran of Mohammed*. New York: W. Allison Co. (1734).
- 41- Särkkä, H.. *Translation of proper names in non-fiction texts* [on-line]. Available at <http://translationjournal.net/journal/39proper.htm>. (2007).
- 42- Yusuf Ali, A. Preface. *The Holy Qur'an: Translation and Commentary*. By Ali. Jeddah, Arabia: Dar Al-Qiblah. (1934/1982).